

# بنام زندگی

اریک فروم

ترجمہ

اکبر تبریزی



## فهرست

۵	فراوانی و بیزاری
۱۵	- بیزاری در جامعه کنونی
۲۵	- نیارهای مصنوعی
۳۴	- بحران نظام پدرسالاری
۴۳	- شکست کلیسا
۵۱	- توسعه گستره رشد آدمی
۶۰	مادی پرخاشگری
۸۷	رؤیا ریان عمومی
۹۷	روانشناسی پیشین
۱۰۶	- سه منظور بنیادی فروید
۱۱۸	- گسترش و تکامل بیشتر روانکاوی
۱۲۹	بنام زندگی
۱۹۳	رابطه کتاب پیمران با وضع کنونی ما
۲۰۱	انسان کیست؟

# فراوانی و بیزاری در جامعه ما<sup>(۱)</sup>

## شخصیت منفعل

سخن ما درباره «فراوانی و بیزاری» است نخست بیسیم این دو واژه چه معنایی دارند در هر بحث، از جمله همین بحث ما، وضوح معانی ضرورتی است قاطع اگر معنای واژه‌ای را با همه شاحه‌ها و مفهومی‌های ضمنی و فرعی آن نفهمیم بهتر می‌توانیم دلالت آن را به موضوع معینی درک کنیم تاریخچه و تعریف لغت، ما را در فهمیدن یاری می‌کند

عبارت «جامعه مرفه»<sup>(۲)</sup> از سال ۱۹۵۸ که کتاب جان کت کالرایت<sup>(۳)</sup> به همین نام منتشر شد، به دهه و فرهنگ ما [آمریکا] راه یافت واژه affluence (فراوانی) از فعل لاتین fluere به معنای to flow (حریان داشتن) می‌آید و با لغت fluid (سیال) هم‌ریشه است. معنای تحت‌اللفظی این واژه overflow، سرریز شدن یا طغیان کردن

1) Affluence and Ennu in our Society

2) The Affluent Society

3) John kenneth Gallbraith

است. همه می‌دانیم که سرریر شدن ممکن است سودمند یا ریان بخش باشد. اگر رودخانه میسی‌سی‌پی سرریر شود فاحشه به بار می‌آورد ولی اگر کندوی گندم کشاورز سرریر شود مایه نعمت و برکت خواهد بود. بنابراین فراوانی اصطلاحی است مهم؛ می‌تواند گویای وفوری باشد که زندگی را دلپذیر می‌سازد - برخلاف آن گونه زندگی که چیری حر مآزره بحاطر بقای محض بیست، و یا ممکن است دلالت بر وفوری کند که پی‌آمدش بیان‌کن و حتی مرگبار باشد - بطور خلاصه فراوانی خوب داریم و فراوانی بد

درباره دو واژه abundance (فراوانی) و superfluity (ریادتی) هیچ ابهامی نیست گرچه معنای ریشه‌ای آنها اندکی با هم تفاوت دارد abundance از واژه لاتین unda به معنای wave (موج) می‌آید که رمان انگلیسی معنای اصلی آن را در دو واژه undulatio و undulant همچنان حفظ کرده است abundance همچنین به معنای overflowing (سرریری و طعیان) است، بنابراین معنای مثبت همه حاسه‌ای در رمان ما بدست آورده است یک رمیس حاصل‌حیز (Abundant) بیش از اندازه معمول محصول می‌دهد این رمیس، زمین فراوانی است، و «عهد عتیق» آن را رمینی توصیف می‌کند که شیر و عسل در آن روان است. یا فرص کنید در یک مهمانی بودید که در آن از هیچ گونه نوشیدنی مضایقه شده بود در تعریف آن می‌گوئید «نوشیدنی حکم آب روان را داشت» معنای روان یا روان بودن در هر دو مورد بار مثبت دارد یعنی کمبودی نبود، حیره‌بندی نبود، بیاری نبود که برای تأمین معاش خود امروز ریاد کار کنید اما فردا چیزی نداشته باشید اما اگر بخواهیم حسه معنی واژه «سرریری» (overflowing) را برساییم، کلمه superfluous (راید یا ریادت) به دهس حطور می‌کند

این واژه بیر مانند affluent از فعل لاتین fluere ریشه می‌گیرد و superfluity همان superflowing است اما در اینجا overflow ناری کاملاً منفی دارد و به مفهوم افراط و به هدر دادن است اگر به کسی بگوئید «حضور تو در اینجا رایذ (overflous) است»، منظورتان این است که «چرا بمی‌روی؟» بنابراین هر جا سخن از فراوانی (affluence) باشد باید از خود پرسیم که آیا معنای مثبت آن - وفور - مورد نظر است یا معنای منفی آن. ریادت

اکنون به واژه بیزاراری (ennui) برگردیم معنای اصلی این لغت از معنای متداول آن یعنی بیراری، دلتنگی یا ملال قوی‌تر است ریشه دو واژه ennui (فراسه) annoy انگلیسی فعل لاتین Inodiare به معنای «ایجاد نفرت کردن» است

اکنون که معاها و مفهومهای این دو واژه را داستیم باید پرسیم آیا «زیادت» (superfuity) به ملال، بیزاراری و نفرت نمی‌انجامد؟ و اگر چنین باشد ما باید خود را در برابر پرسشهای دشواری درباره «حامعه مرفه» قرار دهیم منظورم از «ما» حامعه صنعتی بویس (مدرن) است که در ایالات متحده امریکا، کاسادا و اروپای عربی بوجود آمده است آیا ما در رفاه زندگی می‌کیم؟ چه کسی در حامعه ما زندگی مرفه دارد؟ این رفاه از چه نوع است؟ فراوانی است یا ریادت یا به عبارت ساده‌تر، رفاه‌حوب است یا رفاه‌ند؟ آیا رفاه ما بیراری به بار می‌آورد؟ آیا فراوانی الراماً بیراری به دنبال دارد؟ يك رفاه‌حوب و حوشان همراه با فراوانی که بیراری در پی نداشته باشد چگونه است؟ اینها پرسشهایی هستند که می‌خواهم در اینجا مورد بحث قرار دهم

اما بحست نگاهی به حسه رواشناحتی موضوع بیهکیم از